

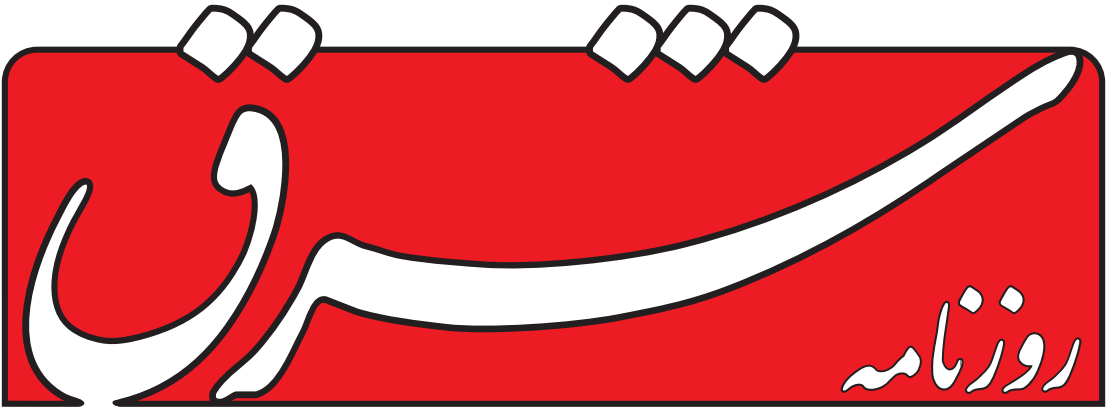


مقام معظم رهبری بر پیکر آیت الله هاشمی شاهرودی نماز اقامه کردند

گروه سیاست: مقام معظم رهبری صبح روز گذشته در مراسم تشییع فقیه عالی قدر و کارگزار باوفای نظام اسلامی، مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی، در مصلاي امام خميني(ره) تهران حضور یافتند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، در این...

صفحه ۲

پنجشنبه ۶ دی ۱۳۹۷ • ۱۹ ربیع الثاني ۱۴۴۰ • ۲۷ دسامبر ۲۰۱۸



نوبخت از لایه های پنهان معافیت ۵۰ هزار میلیارد تومانی برخی دستگاه ها و نهادها رونمایی می کند

نوبت افشاگری دولت



شمخانی: گفت وگویی ایران و طالبان ادامه خواهد یافت

مذاکره با طالبان علیه داعش؟

صفحه ۱۵

پیام تسلیت آیت الله صافی گلپایگانی در پی درگذشت آیت الله هاشمی شاهرودی



گروه سیاست: آیت الله صافی گلپایگانی، از مراجع تقلید، به مناسبت درگذشت آیت الله هاشمی شاهرودی پیام تسلیتی صادر کردند. در این پیام آمده است: رحلت عالم ربانی حضرت آیت الله آقای حاج سید محمود هاشمی شاهرودی(ره)، موجب تأسف و ...

صفحه ۲

سال شانزدهم • شماره ۳۳۲۷ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

رابطه جرم سازمان یافته و فساد

غلام رضا نظر بلندق • اقتصاددانان



در خلال پیگیری اخبار و تحولات چند روز گذشته به مصاحبه ای برخورد کردم که در آن یک مقام قضائی در رابطه با یکی از مهم ترین پرونده های فساد اقتصادی چند سال اخیر که مصداق (organized crime) است، اظهاراتی کرده بود. این یادداشت بدون آنکه بخواهد وارد مصادیق پرونده شود یا نظری سلیبی/ ایجابی راجع به احکام صادره بدهد، در راستا و در ادامه مطالب سلسله یادداشت های اخیر صرفا به فرازهایی از مطالب محتوایی و مفهومی آن مصاحبه استناد می جوید و از آن در جهت نشان دادن عینی نحوه عملکرد دست اندرکاران فسادهای سازمان یافته استفاده می کند. از آنجا که «جرائم سازمان یافته» به لحاظ روش شناسی (متدیک) با جرائم غیرسازمان یافته تفاوت اساسی دارند، بنابراین ضرورت دارد که از ویژگی های جرائم نخست شناخت بیشتری پیدا کنیم تا به آن تفاوت ها بیشتر واقف شویم. از این رو، ارائه تعریفی از این کلیه دوازه لازم می نماید. علمای حقوق جزا و جرم شناسان نزدیک به یک قرن است که تعاریف مورد نظر خود را ارائه کرده اند که شاید بتوانیم روی اینکه در پی می آید، اجماع کنیم: «جرم سازمان یافته عبارت است از فعالیت های غیرقانونی و هماهنگ گروهی که با تئانی با هم و برای تحصیل منافع مادی و قدرت به طور مستمر مرتکب اقدامات مجرمانه جدی می شوند و برای رسیدن به اهداف مورد نظر از هر نوع ابزار مجرمانه ای نیز استفاده می کنند»؛ این تعریف با تعریف «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی» معروف به «کنوانسیون پالمو» به شرح زیر که ذیل عنوان «گروه مجرمانه سازمان یافته» ارائه شده، هم پوشانی مناسبی دارد:

«گروه مجرمانه سازمان یافته»، گروه ساختار یافته ای است متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای یک دوره زمانی مشخص به وجود آمده تا به طور هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جرم جدی یا تخلف شدید ذکر شده در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی فعالیت کند. آنچه از تصریحات و ضمیمات دو تعریف فوق برمی آید می تواند ما را به مشخصات گروه های مجرمانه سازمان یافته رهنمون کند که نوعا عبارت است از: ۱. همکاری حداقل سه نفر با هم و تشکیل سازمان (سازمان همزاد برنامه ریزی است) ۲. وجود سلسله مراتب سازمانی ۳. ارتکاب جرم به قصد تحصیل منفعت اقتصادی (انگیزه سودجویی جرم سازمان یافته آن را از تروریسم که انگیزه سیاسی یا ایدئولوژیک دارد، جدا می کند) ۴. ضرورت اتکا به قدرت سیاسی و اقتصادی برای تحقق مورد اخیر ۵. وجود همبستگی مستقیم بین جرائم سازمان یافته و گستردگی فساد ناشی به طوری که هر چقدر فساد بیشتر شود، این گونه جرائم هم بیشتر زمینه رشد پیدا می کنند (نسبت آب گل آلود و ماهی گیری).

مصاحبه مورد اشاره در بالا تا آنجا که به خطور بطل، پیوندها، شگردها، سناریوسازی ها، مخفی کاری ها، طفره روی ها و نفوذ گروهی منسجم به سازه های اداری و تشکیلات دیوانی و انجام معاملات صوری، تودرتو، نیمه پید- نیمه پنهان، تسویه خری و نقدفروشی و خلق زنجیره ضد ارزش و... مربوط می شود، از سازمان یافتگی آن گروه به قصد تحصیل منفعت اقتصادی برهنگارانه حکایت می کند. شاهد مدعا همان فرازهایی از مصاحبه است که در صدر یادداشت حاضر به آنها اشاره کردیم و در اینجا به آنها می پردازیم.

۱. اداره «گروه» بر مبنای «سرکرده محوری رفت و برگشتی»، به طوری که سرکرده با قرار گرفتن در مرکزیت «گروه»، سیاست ها، برنامه ها، منویات و دستورات اجرایی خود را به زیرمجموعه ابلاغ و از آن بازخورد مطالبه می کند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

در پیشگاه تاریخ

هر عقیده و دیدگاه سیاسی و اجتماعی گرد هم آیند و برای راهی ملت ایران از نظام ستم شاهی مبارزه کرده و به آینده امیدوار باشند.

دور از انصاف است که با خلط مطلب اقدامات سازمان منافقین را که در منجلاب نفاق- خودخواهی و خیانت به ملت ایران

دیگر اینکه بسیاری بر این باورند که اقدامات مسلحانه از مبارزه نواب صفوی و یارانش تا آنچه گروه مؤتلفه و چریک ها و...

در آن زمان ها علیه ستمگران انجام داده اند، بی حاصل نبوده و سهمی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به زعامت امام خمینی نتیجه

پیمودن مبارزه ملت ایران در شرایط متفاوت و پرفراز و نشیب بوده است. تخریب شخصیت بزرگان رفته رفته تسری پیدا کرده و اخیرا درباره زندگی و مبارزات آیت الله هاشمی رفسنجانی فیلمی ساخته اند که با یک سوئگری انقلاب اسلامی و نتایج آن بیننده را دچار تعجب و تردید می کند. مگر نه این است که بعد از رهبری و زعامت بنیان گذار جمهوری اسلامی نام سه شخصیت (بهشتی- رفسنجانی، خامنه ای) پشتوانه تداوم مبارزات ملت ایران بوده و هست؟ و چرا گروهی می خواهند این ارزش ها را از تاریخ ایران محو کنند!

به نظر می رسد کسانی که هوای روزهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و سال های مبارزات نفت را استنشاق نکرده باشند؛ هر چند کتاب های فراوان بخوانند و فیلم های متعدد ببینند و فراوان بشنوند، با همه بی طرفی، روایان آگاه و صدیق آن دوران نخواهند بود و موجب تعجب بسیار است که افرادی با گروه هایی برای خودنمایی و مطرح بودن و خود را به رخ دیگران کشیدند، اقدام به تخریب شخصیت های مورد احترام ملت ایران می کنند.

این روزها گویا بعضی افراد تصمیم گرفته اند آنچه را ملت ایران میراث گرانبها از گذشته خود دارد، با استناد به معجولات و برداشتهای شخصی بی اعتبار کرده، آن را از میان بردارند.

این بعضی ها از گذشته های دور گرفته تا امروز نسبت به ارزش های دیرپای فرهنگ، هنر و ادب ایرانیان دچار تردید شده اند و با پرداختن به زندگی و فعالیت شخصیت های سیاسی، نقش آنان را در تاریخ ملت ما وارونه جلوه دهند.

از جمله شخصیت تاریخی دکتر محمد مصدق، نخست وزیر وقت ایران را در مبارزات ضد استعماری او در جریان ملی شدن صنعت نفت نادیده گرفته و از این انسان شایسته در تاریخ معاصر عصری پراشتباه و منفعل ترسیم

کرده اند. درباره دکتر علی شریعتی و شهید آیت الله بهشتی نیز به همین شکل گفتنی بسیار است که از عهده قلم نویسنده این یادداشت مختصر

برنمی آید. به تازگی فیلمی از زندگی و مبارزات سیاسی- اجتماعی مرحوم مهندس بازرگان ساخته شده که بخش های زندگی شرافتمندانه او را زیر سؤال می برد؛ حضور مؤثر مهندس بازرگان در مبارزات مردم ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به کنار...

اما کسانی که خارج از جریان نهضت آزادی، مخصوصا در مبارزات دانشجویی سال های ۱۳۴۲ مهندس بازرگان را دیده و شناخته اند و ایمان راستین او را به اسلام و ارزش های مبارزات اسلامی، بردباری، شجاعت و شرافتمندی او را در عمل تجربه کرده اند، می دانند حضور بازرگان موجب آن بود که همه قشرهای دانشجویان با



هارون یشایایی

یادداشت

خطر عقب ماندگی ایران

استخدام وابستگان خود منع می شوند، در توافقی نانوشته با صاحب منصبی دیگر، به صورت ضربدری هرکدام نورچشمی های دیگری را به نان و نوا می رسانند تا ظاهر قانون نقض نشود!

۲- مقاماتی که منطقا باید بین خدمت دولتی یا تجارت یکی را انتخاب کنند، با هم زمان با منصب دولتی، حجره تجاری خود را هم مدیریت می کنند و گاه و بی گاه با تصمیماتشان نیم نگاهی هم به منافع خود دارند، با اینکه مدیریت حجره را به فرزندان خود سپرده اند. البته توافق ضربدری بین صاحب منصبان در این مورد هم مثل مورد قبل دور از انتظار نیست.

۳- در شرایطی که بسیاری از شرکت های وابسته به دولت و نهادهای عمومی به ویژه شرکت های کوچک و تحت پوشش شرکت های بزرگتر کارنامه موفقیت ندارند و متحمل زیان می شوند و البته با توجه به حاکمیت شرایط رکودی در کشور، این امر دور از انتظار نیست، مدیران مادام العمر این شرکت ها روز به روز فربه تر و مرفه تر می شوند. به راستی مدیریت بر شرکتی که گاه نقدینگی لازم را حتی برای پرداخت به موقع حقوق کارکنان ندارد، چگونه ممکن است موجب تمول شدن مدیر شود؟ توضیح این نکته لازم است که در چند دهه گذشته مشاهده نشده که یک مدیر محترم بابت ورشکسته شدن شرکت تحت امر خود متحمل زیان شده و سطح زندگی اش تنزل یابد بلکه همواره در کنار افول شرکت ها شاهد ترقی و تمول این مدیران نوکیسه بوده ایم.

اما مشکل تعارض منافع و خسارت های تحمیل شده به جامعه امروز ایران، منحصر به فضای تجارت و فعالیت های تولیدی و بازرگانی نیست. بلکه در فضای سیاست و رقابت سیاسی احزاب و نخله های سیاسی هم شاهد شکل خاصی از تعارض منافع هستیم. در این مورد هم اشاره به دو نکته خاص کافی است:

۱- نمایندگان مجلس در جریان احضار وزرا، طرح سؤال یا استیضاح به گونه ای رفتار می کنند که خود را به بهترین نحو در معرض اتهام کاسب کاری سیاسی قرار می دهند. امضای طرح استیضاح و پس گرفتن امضا بدون هیچ گونه توضیحی، بهترین شاهد این مدعاست. علاوه بر این ادعاهای بسیاری درباره سهم خواهی و اعمال نفوذ با هدف اشتغال وابستگان علیه برخی نمایندگان مطرح شده و هرگز پاسخ مستند و قانع کننده ای دریافت نکرده اند.

ادامه در صفحه ۶



ناصر ذاکری پژوهشگر اقتصادی

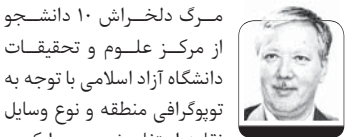
سازمان های عمومی و خصوصی، خواه بزرگ و خواه کوچک، همواره در معرض این خطر قرار دارند که سیاست گذاران و تصمیم گیران آن و حتی مجریان در رده های پایین تر منافع شخصی یا حزبی خود را بر منافع سازمان مقدم بدارند و به بیان دیگر از سمت و موقعیتشان به نفع خود بهره برداری کنند. یکی از مهم ترین و بارزترین تفاوت ها بین جوامع رو به تعالی و جوامعی که رو به افول هستند، این است که در گروه اول شیوه های قانون گذاری و نظارت به نحوی سازمان یافته اند که امکان بهره برداری شخصی برای صاحبان قدرت در هر سطحی به حداقل برسد اما در گروه دوم تدبیری جدی برای این معضل اندیشیده و به کار گرفته نمی شود. یکی از بارزترین موارد تعارض منافع (Conflict of Interest) در عالم تجارت، حضور یک فرد در ترکیب هیئت مدیره دو شرکت طر ف وضعیست تا این حد شفاف و واضح نیست. تصمیم گیری درباره انجام معامله بدون توجه به رای آن فرد خاص انجام شود، زیرا او نمی تواند هم در مقام خریدار و هم در مقام فروشنده شرکای خود را به این باور برساند که منافع هر دو طرف معامله را رعایت می کند. اما در بسیاری از موارد، وضعیت تا این حد شفاف و واضح نیست. برای این مثال در میدان فوتبال بازیکنی را در نظر بگیرید که تمام هنر خود را برای پیروزی تیمش به کار نمی گیرد و هدفی غیر از پیروزی تیم مثلا تخریب وجهه مربی را دنبال می کند، یا یک مدیر میانی که با انگیزه های شخصی یا سیاسی هدف زیر سؤال بردن مدیر ارشد را دنبال می کند و به همین دلیل اقداماتی انجام می دهد که با منافع سازمان در تعارض است. با نگاهی گذرا به شرایط ایران امروز می توان نتیجه گرفت که کشورمان جزء گروه اول که پدیده تعارض منافع را به نحو مطلوب مدیریت می کنند و خسارت ناشی از آن را به حداقل می رسانند، نیست. برای تایید این ادعای تلخ کافی است به چند مورد از مشاهدات عالم واقع توجه کنیم:

۱- مدیران بدون توجه به اصل شایسته سالاری نورچشمی های خود را در سمت های «مرغوب» می گمارند و شایستگان خدوم را خانه نشین می کنند. وقتی هم که به موجب قانون از

حرف اول

مرگ دلخراش و مسئولیت دانشگاه آزاد

علی قنقر زاده



مرگ دلخراش ۱۰ دانشجو از مرکز علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی با توجه به تیپوگرافی منطقه و نوع وسایل نقلیه استفاده شده و سوار کردن تعداد زیادی از دانشجویان در هر سرویس بیش از حد استاندارد و چند برابر صندلی ها، دور از ذهن نبود و با چنین رفتار و ابزاری، این فاجعه دیر یا زود اتفاق می افتاد و این داغ سوزان را بر دل خانواده ها و مردم ایران گذاشت. اتوبوس هایی که در کم رکش کوه به جابه جایی دانشجویان اقدام می کنند، ایمنی و استاندارد لازم را برای تردد در فرازونشیب کوه های حصارک ندارند و به احتمال زیاد، هیئت امنای رئیس دانشگاه، معاونان و رؤسای دانشکده ها یک بار هم سوار این اتوبوس ها نشده باشند. متأسفانه این فاجعه، حادثه نیست؛ فرایندی است که منتهی به جرح و قتل و خسارت می شود. آن هم در قلب تهران بزرگ و در یکی از دانشگاه های معروف که یادگار ماندگار آیت الله هاشمی رفسنجانی است و با پیگیری مستمر او بود که دانشگاهی تأسیس شود تا آحاد مردم در سراسر ایران اگر تمایل به تحصیلات آکادمیک داشته باشند، بتوانند در محل زندگی خود تحصیل کنند و امروز این دانشگاه از بزرگ ترین دانشگاه های ایران به لحاظ تعداد دانشکاه، دانشجو و رشته های تحصیلی است.

احمدی نژاد در دوره ریاست جمهوری خود کام هایی را برای تسلط بر دانشگاه آزاد برداشت و در نهایت در بهمن ۱۳۹۵ دکتر علی اکبر ولائی به عنوان رئیس هیئت امنا منصوب شد و در اردیبهشت ۱۳۹۶ دکتر میرزاده از سوی تیم دکتر ولائی عزل و دانشگاه در اختیار مخالفان آیت الله هاشمی قرار گرفت و گروه مسلط به جای رسیدگی به امور دانشجویان که صاحبان اصلی و سهامداران دانشگاه آزاد هستند و باید خدمات آموزشی و رفاهی دانشجویان در اولویت قرار گیرد، درگیر تسویه حساب ها و عزل و نصب ها و تقسیم پست ها شدند و وظیفه اصلی شان به فراموشی سپرده شد. با اندوه و حرمان باید گفت این فرایند مدیریتی به جای بهبود کیفیت آموزش علمی و خدمات، به کاهش و تضعیف آن منجر شده است که امروز شاهدیم خانواده ها و مردم ایران در عزای عزیزان دانشجو به سوگ نشسته اند و به جای حضور در جشن فارغ التحصیلی فرزندان شان، بر مزارشان اشک ماتم می ریزند.

ادامه در صفحه ۶

برادر گرامی جناب آقای محمدرضا صالحی

مصیبت درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

احمد صدیقی - ابوالفضل سلطانی

سازمان آگهی های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸ - ۸۸۱۹۳۹۷۹